

طبیعت گزیده

در استخر عباس آباد بهشهر، دنبال چه باید بود؟ دریاچه‌ای در میانه جنگل و بر بالای کوه؛ با عمارتی در میان آب و باغی در کنار. چرا در میان جنگل درخت‌ها را بریده‌اند تا باغ بسازند! و این برکه، در آن ارتفاع بر بالای دره‌ای عمیق و مشرف به خزر برای چیست؟ امروز در باغ عباس آباد، درختان جنگلی روئیده و جز ته‌رنگی از محوطه‌سازی باغ و آب‌نماهای آن اثر دیگری از باغ نیست. در کنار دریاچه، دو برج آجری، که تأسیسات فشارشکن برای انتقال آب به آب‌نماها بوده‌اند، باقی است. بر بالای چشمه عمارت، که به جزیره می‌ماند، گیاهان هرز روئیده است. مهم‌ترین جاذبه مدیریت شده برای مردمی که برای گردش به کنار دریاچه می‌آیند، تخت، منقل و قایق‌هایی است که آب‌بازی و تفریح طبیعت را اصل شناخته است و به تاریخی که بر این مجموعه گذشته توجهی ندارد. چرا باید در میان جنگل باغ ساخت؟ این بنا در میان آب چه می‌کند؟ چرا در اینجا سد ساخته‌اند؟ تلاش سازندگان برای انتقال پرهزینه آب از بالادست به این نقطه برای چه بوده است؟ باغ دوم که در طرف دیگر دریاچه است چیست؟ این سؤالات در برنامه گردشگری مجموعه تاریخی عباس آباد جایی ندارد.

حکایت منظر عباس آباد، ستایش طبیعت گزیده است. برخلاف طبیعت‌گرایی شرق دور، که طبیعت و هرچه در آن است به همان صورت تقدیس می‌شود، طبیعت‌گرایی ایرانیان به منظر گزیده تعلق خاطر دارد. عناصر گزیده از طبیعت، آب و گیاهان خاص، جوهر منظر را می‌سازند. معنای فضا، قدسیّت و زیبایی آن با حضور این عناصر به دست می‌آید. از این روست که در میان جنگل، ساخت یک باغ توجیه می‌شود. آب، شرط زیبایی فضاست که با دشواری به اینجا آورده می‌شود. سد از موقعیت طبیعی زمین نتیجه می‌شود و چشمه عمارت با پلی برای دسترسی به آن، حضور در میانه فضای قدسی است و رو به منظر هم جنس خود دارد؛ رابطه این دو از طریق ارتباط بصری به دست می‌آید.

کانسپت معماری منظر مجموعه عباس آباد این چنین شکل گرفته است. عباس آباد بهشهر یک منظر است. یک زندگی است که بقایای آن برجاست. میان جسم و جان این زندگی پیوندی برقرار بوده که از آن یک حقیقت، یک ماهیت و یک منظر می‌ساخته است. امروزه جان آن به دست فراموشی سپرده شده، اما از جسم آن آثاری باقی است که اگر به طور صحیح قرائت شود، جان آن قابل بازیافت است. یک هدف مهم گردشگری، درک تجربه‌های پیشینیان و فهم سرنوشت آنان است. برای این منظور برنامه‌ریزان و مدیران باید شناخت صحیحی از موضوع داشته باشند تا بتوانند عناصر معنادهنده به مکان را بازیابی و به گردشگران معرفی کنند. این خواسته زمانی محقق می‌شود که بدانیم هر «کلی» که روزگاری زندگی ویژه خود را داشته، یادگار انسان‌هایی است که در تعامل با محیط و تاریخ پدید آمده است. این یادگار، منظر خوانده می‌شود و عبرت از تاریخ و طبیعت میسر نمی‌شود، مگر آنکه آنها را منظر بشناسیم و درصدد خوانش آن باشیم. گردشگری امروز برای ارتقای کیفیت محتاج چنین رویکردی است.

تصویر گسترده استخر عباس آباد با چشمه عمارت و قایق‌ها، انتخاب هوشمند «نورا و وحیدیان» است از منظری که علی‌رغم حکایت‌های بسیار، ناخوانده مانده و مردمان به هدایت مدیران، بی‌خبر از گوهری که در برابرشان است، سرگرم پدال‌های رنگین شده‌اند.

سردبیر

سید امیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir